

شکاف جنسیتی در کنشگری زیست‌محیطی: یک تحلیل جامعه‌شناختی

لیلا علوی*

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۱۵

چکیده

در مطالعات اجتماعی محیط‌زیست مطالب بسیاری درباره جنسیت و رابطه‌اش با کنشگری محیط‌زیستی آمده است، اما در جامعه ایرانی مورد مطالعه تجربی قرار نگرفته است. در این مقاله سعی شده است تا میزان کنشگری محیط‌زیستی زنان و مردان در اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی در استان آذربایجان شرقی بررسی گردد. این پیمایش با حجم نمونه ۳۷۵ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتصاب متناسب انجام شد. در تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون چندمتغیره حداقل مربعات استفاده شد و نتایج نشان داد که تفاوت معناداری در کنشگری مردان و زنان در سطوح مختلف فعالیتی سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی وجود ندارد. همچنین، عوامل مشابهی میزان کنشگری زنان و مردان را پیش‌بینی می‌کنند. اما نوع کنشگری زنان و مردان در سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی، به طور معناداری متفاوت است؛ کنشگری مردان در سطوح اساسی و با اهمیت و کنشگری زنان در سطوح حمایتی و کم‌اهمیت اتفاق افتاده است. این نتایج با ادبیات نظری پژوهش که تقسیم کار جنسیتی و دسترسی محدود بیوگرافیکی زنان را در کنار عوامل افزایش‌دهنده کنشگری مانند ارزش‌های محیط‌زیستی و نگرانی محیط‌زیستی، عاملی مؤثر بر کنشگری عنوان می‌کنند، سازگار است.

کلیدواژه

تقسیم کار جنسیتی، جنسیت، دسترسی بیوگرافیکی، کنشگری محیط‌زیستی

۱. سرآغاز

قرن بیست و یکم، عصر بروز فاجعه‌های زیست‌محیطی بسیاری در کره زمین بوده است؛ فاجعه‌هایی که از تلاش انسان برای رشد اقتصادی بدون توجه به سایر مؤلفه‌های توسعه پایدار ناشی می‌شود. از ابتدای قرن نیز نگرانی‌ها به سمت تخریب بی‌رویه محیط‌زیست جلب شده است. تأکید و توجهی که از تمامی نهادها، سازمان‌ها و شهروندان جوامع نسبت به محیط‌زیست انتظار می‌رود، نشان از فزونی مسائل زیست‌محیطی و نگرانی‌های موجود نسبت به پیامدهای آن دارد. البته در جوامع در حال توسعه، رویکردهای مسئولانه زیست‌محیطی در بیشتر حوزه‌ها و نیز تلاش شهروندان برای عملکرد مسئولانه در این زمینه

کم‌رنگ‌تر به نظر می‌رسد. به هر حال، صاحب‌نظران در حوزه محیط‌زیست معتقدند کیفیت محیط‌زیست و کنترل مؤثر مسائل زیست‌محیطی کاملاً به الگوهای رفتاری انسان‌ها وابسته است. الگوهای رفتاری در زمینه محافظت از محیط‌زیست می‌توانند در حوزه‌های خصوصی و عمومی و نیز به طور ویژه به صورت کنشگری زیست‌محیطی در آیند (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۴). عباس زاده و علوی، ۱۳۹۵؛ ولسی زاده و همکاران، ۱۳۹۶). کنشگری زیست‌محیطی یکی از انواع رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی است که افراد با نیت محافظت از طبیعت درگیر آن می‌شوند (Stren, 2000). البته طبقه‌بندی‌های متفاوت و گوناگون از رفتارهای محیط‌زیستی ارائه شده اما

Davidson & Freudenburg, 1996; Tindall et al.,)
 2003). هم‌چنين، در كانادا زنان به‌خوبي در رهبري
 سازمان‌ها و جنبش‌هاي محيطيستي مربوط به حفاظت از
 پارک‌هاي طبيعي و حفاظت شده و تغيير در امور
 جنگلداري، ايفاي نقش مي‌کنند (Tindall et al., 2003).
 گذشته از مطالعات مربوط به رهبري زنان در سازمان‌هاي
 محيطيستي و نگراني محيطيستي آنان، کمتر مطالعه‌اي
 در رابطه با تفاوت‌هاي جنسيتي در ميان اعضاي
 سازمان‌هاي مردم نهاد محيطيستي انجام شده است، با
 توجه به اين واقعيت که جنسيت مي‌تواند از مهم‌ترين
 متغيرها براي تجربه عمل‌گرایی و کنشگري باشد.

در اين مطالعه اعتقاد بر اين است که زنان بيشتر از
 مردان نگران محيطيست هستند. يافته‌ها در اين رابطه
 معمولاً متفاوت و مشروط به نوع مسئله مورد بررسي
 مي‌باشند، با اين حال مطالعات نشان مي‌دهند که زنان
 نگراني بيشترى نسبت به ريسک‌هاي بالقوه محيطيستي در
 مقايسه با مردان دارند (Momsen, 2000; Xiao & Hong,)
 (2010; Xiao & McCright, 2012)؛ بر اين اساس در اين
 مطالعه استنتاج مي‌شود که زنان با احتمال بيشترى در
 جنبش‌هاي محيطيستي مشارکت مي‌کنند.
 سؤال اساسي اين پژوهش اين است که آيا زنان عضو
 سازمان‌هاي مردم نهاد محيطيستي فعال‌تر از مردان عضو
 اين سازمان‌ها هستند؟ و آيا نوع فعاليت زنان در
 سازمان‌هاي محيطيستي از فعاليت مردان متفاوت است؟

۲. مواد و روش‌ها

در اين پژوهش، مباني نظري مربوط به ارتباط جنسيت با
 مشارکت در جنبش‌هاي محيطيستي و کنشگري آمده
 است. در واقع سطوح کنشگري محيطيستي براي مردان و
 زنان بررسي شده است. سؤالات طرح شده در اين مقاله،
 سؤالاتي چالشي هستند؛ از اين رو که ادبيات نظري
 مربوطه، نوع تأثير جنسيت بر کنشگري محيطيستي را
 متفاوت از نوع تأثير جنسيت بر رفتارهاي مسئولانه

محدوده‌ي تمامي تعاريف و طبقه‌بندي‌ها شامل رفتارهاي
 عمل‌گرايانه يا کنشگري محيطيستي (رفتارهايي با هدف
 تأثيرگذاري بر کنش‌هاي دولت‌ها و شرکت‌ها و خطمشی‌ها
 با مشارکت در جنبش‌هاي محيطيستي) و رفتارهاي
 مسئولانه محيطيستي (رفتارهاي روزمره با هدف کاهش
 ردپاي فردي و خانگي بر محيطيست) (Tindall et al.,)
 (2003; McFarlane & Hunt, 2006). جامعه‌شناسان
 مطالعات بسياري درباره تفاوت‌هاي ميان کنشگران و
 سايرين انجام داده‌اند؛ اما توجه کمتری به تفاوت‌هاي
 جنسيتي ميان کنشگران درون جنبش‌هاي مشابه نشان
 داده‌اند (McAdam, 1986; Brulle, 1996; Blake et al.,)
 (1997; Tindall, 2002).

بيشتر مطالعاتي که در گذشته در رابطه با عوامل
 تعيين‌کننده رفتار مسئولانه محيطيستي انجام شده است،
 رفتارهاي غيرعمل‌گرايانه را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در
 مطالعات مربوط به کنشگري محيطيستي نیز، توجه به
 عوامل مؤثر بر حمايت از سازمان‌هاي مردم نهاد
 محيطيستي (Crook & Pakulski, 1995; Brulle, 1996)،
 عوامل تعيين‌کننده سطح مشارکت در ميان اعضاي اين
 سازمان‌ها (Tindall, 2002; Tindall et al., 2003) و
 کنشگري در حمايت از کيفيت محيطيست (Blake et
 al., 1997; Blake, 2001) متمرکز شده است.

کنشگران محيطيستي، زنان و مردان دغدغه‌مند نسبت
 به مسائل محيطيستي هستند که در سازمان‌هاي غيردولتي
 فعال در حوزه محيطيست يا جنبش‌هاي زيست‌محيطي،
 مشارکت دارند. برخي مطالعات نشان داده است که زنان در
 مقايسه با ساير حوزه‌هاي زندگي سياسي در جنبش‌هاي
 مربوط به محيطيست بسيار فعال‌تر بوده‌اند. اين امر را
 مي‌توان از حضور فعالانه و عضويت آنان در سازمان‌هاي
 رسمي و غيررسمي محيطيستي در جوامع مختلف
 استنباط کرد. در امريکاي شمالي زنان اجتماعاتي را در
 اعتراض به زباله‌هاي سمی و پرخطر و فاجعه‌هاي فناوري
 مانند Love Canal و Three mile Island بسپج کرده‌اند

مؤثر بر دستمزدها، دستمزد کمتری نسبت به مردان دریافت می‌کنند (Boyd, 1998). جامعه‌شناسان فمینیست، چگونگی تداوم این نابرابری‌ها را در تقسیم کار جنسیتی و نحوه جامعه‌پذیری زنان و مردان نشان می‌دهند؛ آن‌ها بیان می‌کنند که دسترسی بیشتر مردان به نقش‌های شغلی با دسترسی بالا به منابع اقتصادی، میزان وابستگی زنان را تقویت می‌کند و به مردان این امکان را می‌دهد تا قدرت بیشتری را در حوزه‌های عمومی و خصوصی زندگی اعمال کنند (Tindall et al., 2003). زنان مسئولیت اصلی خانه‌داری به‌ویژه مراقبت از کودک را بر عهده دارند و این امر برای زنان شاغل یعنی دو شغله بودن (یک شغل بدون دستمزد و شغل دیگر با دستمزد پایین‌تر از مردان!)، وظایف خانه‌داری زنان امکان رقابت آنان را با مردان، برای موقعیت‌های بالاتر اجتماعی سخت‌تر می‌کند، از این رو آن‌ها به سمت مشاغل با موقعیت پایین‌تر روی آورده یا از جمع نیروی کار جامعه خارج می‌شوند. به طور کلی، این نوع از تقسیم کار، تسلط مردان را تقویت کرده و مسئولیت‌ها، منابع و امکانات فوق‌العاده‌ای نسبت به زنان نصیب آن‌ها می‌کند.

تقسیم کار نابرابر، باعث ایجاد ایدئولوژی‌ها، هنجارها و کلیشه‌هایی در رابطه با شایستگی‌های مردان نسبت به زنان می‌شود. از آنجا که انتظار می‌رود زنان وظایف خانوادگی را در اولویت قرار دهند، برای مشاغل تربیتی و خدمات اجتماعی مناسب به نظر می‌رسند که بیشتر این مشاغل، کم‌ارزش و با دستمزد پایین محسوب می‌شوند. در همین حال، «مشاغل مردانه»^۱ نیازمند رقابت و عقلانیت بیشتر در نظر گرفته می‌شوند و به مراتب، دستمزد و پاداش بالاتری به آن‌ها تعلق می‌گیرد. این کلیشه‌ها، از آنجایی که زنان و مردان به دلیل انطباق با هنجارهای جنسیتی تعریف شده در جامعه پاداش دریافت کرده و با انحراف از آن‌ها مجازات می‌شوند، تقسیم کار جنسیتی را در هر دو حوزه اقتصادی و خانگی تقویت می‌کند (Kennedy & Kmec, 2018).

بنابراین سؤال این است که چگونه تفاوت‌های جنسیتی

محیط‌زیستی می‌دانند و اعتقاد بر این است که رابطه جنسیت و کنشگری محیط‌زیستی توسط مؤلفه‌های متقاطع مشخص می‌شود. دلایل اصلی طرح این سؤالات در بخش زیر آمده است:

نخست، جنسیت تأثیر متفاوتی بر کنشگری و رفتار مسئولانه محیط‌زیستی دارد. از آنجایی که بیشتر فعالیت‌های عمل‌گرایانه خارج از محیط خانه اتفاق می‌افتند، تقسیم کار جنسیتی در اشتغال خانگی و اشتغال در مقابل دستمزد، دسترسی زنان به کنشگری محیط‌زیستی و مشارکت در جنبش‌های مربوط به مسائل محیط‌زیستی را محدود کرده است و بیشتر رفتارهای محیط‌زیستی مسئولانه در میان رفتارهای روزمره - که در اکثر موارد خانگی و بدون دستمزد هستند - و نیز در میان زنان اتفاق می‌افتند. بنابراین، فرصت‌های عاملیت زنان در رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی بیشتر از مردان است. دوم، در مطالعات مختلف تأثیرات متناقضی از جنسیت بر عمل‌گرایی گزارش شده است. از طرفی، حوزه‌های جامعه‌شناسی محیط‌زیستی و نظریه اکوفمینیستی نشان می‌دهند که زنان به دلایل مختلف اجتماعی، فرهنگی، ساختاری و زیست‌شناختی عمل‌گراتر از مردان هستند. این ادبیات باعث می‌شود که ما انتظار عمل‌گرایی بیشتری از زنان و به‌ویژه مادران داشته باشیم. از طرف دیگر، نظریه‌های مربوط به جنبش‌های اجتماعی، عوامل مختلف جمعیت‌شناختی را مانع مشارکت زنان در جنبش‌های محیط‌زیستی نشان می‌دهند، چرا که نقش‌های محول شده به زنان، آن‌ها را از نظر زمانی و عمل به تعهدات دیگر محدود می‌کند.

چهارچوب نظری این پژوهش، از ادغام سه حوزه نظری به دست آمده است: نظریات فمینیستی در تقسیم کار جنسیتی، جامعه‌شناسی محیط‌زیست در فرهنگ و عوامل جمعیت‌شناختی و ادبیات جنبش‌های اجتماعی در سطح خرد.

۱-۲. تقسیم کار جنسیتی و کنشگری محیط‌زیستی

زنان در کشورهای غربی حتی با وجود کنترل سایر عوامل

خود و کیفیت زندگی یاد می‌کند. او در کتاب خود، «انقلاب آرام»^۲، می‌گوید که ارزش‌های مردم غرب از تأکید زیاد بر رفاه مادی و امنیت جانی به تأکید بیشتر بر کیفیت زندگی تغییر کرده است. از نظر اینگلهارت، علل و استلزامات این تغییر پیچیده است، اما اصل اساسی آن به‌سادگی بیان می‌شود؛ مردم به نیازها و تهدیدهای آنی بیشتر توجه نشان می‌دهند تا چیزهایی که بعید و بی‌خطر به نظر می‌رسند. بر این اساس، اینگلهارت توضیح می‌دهد که حس زیبا طلبی کم‌وبیش جهانی است؛ اما مردم گرسنه بیشتر به دنبال غذا هستند تا رضایت زیباشناختی. طبق نظر وی، امروزه به طور بی‌سابقه‌ای نسبت بزرگی از جمعیت غربی در شرایط بی‌نظیری از امنیت اقتصادی پرورش یافته‌اند و این امنیت جانی و اقتصادی هم‌چنان ارزش مثبت خود را حفظ کرده است، اما اولویت نسبی آن کمتر از گذشته است. اینگلهارت معتقد است که هم‌زمان با حرکت جوامع غربی از فاز صنعتی به فاز فراصنعتی توسعه، اولویت‌های ارزشی مردم در حال تغییر است؛ پس انتقال از جامعه صنعتی به فراصنعتی به تأکید فزاینده بر خود بیانگری^۳ منجر شده و بنابراین افزایش ثروت کلی جامعه موجب تغییر ارزش‌ها از تأکید شدید بر امنیت جانی و اقتصادی به تأکید فزاینده بر رفاه ذهنی و کیفیت زندگی می‌شود (Opp, 1990). اینگلهارت برای تعیین این‌که این تغییرات ارزشی چه هستند و در کدام زمینه‌های زندگی مردم رخ می‌دهند، به بررسی تغییر ارزشی در جوامع صنعتی می‌پردازد و می‌گوید که این ارزش‌ها و تغییرها می‌تواند به صورت تأکیدی بر آزادی شخصی و سیاسی، مشارکت، برابری، مدارا با اقلیت‌ها و کسانی که عقاید مخالف دارند، پذیرش ایده‌ها و سبک‌های جدید زندگی، حفاظت از محیط‌زیست و توجه به کیفیت مسائل زندگی تبلور یابند. اینگلهارت برای پیش‌بینی وسعت ارزش‌های فرامادی^۴ در یک جامعه، دو فرضیه به کار می‌برد: فرضیه کمیابی^۵ و فرضیه اجتماعی شدن^۶؛ در فرضیه کمیابی او فرض می‌کند که اولویت فرد بازتاب محیط اجتماعی اقتصادی است؛ به این معنی که فرد بالاترین ارزش‌ها را به چیزهایی می‌دهد که کمیاب هستند. فرضیه اجتماعی شدن

در تقسیم کار و جامعه‌پذیری مردان و زنان با کنش‌های محیط‌زیستی آنان مرتبط است؟ فرض اساسی منطبق بر نظریه این است که نگرانی بیشتر زنان نسبت به محیط‌زیست ریشه در موقعیت وابسته و حاشیه‌ای آنان در تقسیم کار جنسیتی دارد. برای نمونه در پژوهشی در آمریکای شمالی اعتقاد بر این بوده که فرهنگ و اقتصاد جامعه، زنان را ترغیب می‌کند که نسبت به محیط‌زیست بی‌خطر باشند؛ در حالی که مردان را از نظر محیط‌زیستی مخرب بار می‌آورد (Tindall et al., 2003). بر این اساس، انگیزه زنان بیشتر به سمت هماهنگی با محیط‌زیست خواهد بود؛ چرا که نقش‌های مورد انتظار از آنان ارزش بیشتری به حمایت‌گری عاطفی می‌دهند و اما در مقابل، ارزش کمتری برای فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و رقابتی قائل خواهند شد. بنابراین، انتظار می‌رود که نگرانی‌های محیط‌زیستی زنان، به‌ویژه زمانی که احساس کنند پیامدهای مخربی روی سلامتی خانواده‌شان دارد، بیشتر از پیش شود. در رابطه با مردان، می‌توان گفت که به علت نقش‌های محول اقتصادی‌شان، ذهنیت مصرفی و ابزاری نسبت به محیط‌زیست دارند (Briscoe et al., 2019; Momsen, 2000; عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۵).

۲-۲. تأثیرات فرهنگی و جمعیت‌شناختی و کنشگری محیط‌زیستی

اگر بر اساس مطالب فوق، تقسیم کار جنسیتی، نگرانی محیط‌زیستی در زنان را تغذیه می‌کند؛ بایستی پاسخی نیز برای سوق یافتن این نگرانی‌ها به سمت کنش‌گری فعالانه محیط‌زیستی زنان داشته باشیم. در این مسیر، از دیدگاه فرهنگی اینگلهارت بهره خواهیم برد. ظهور شواهدی مبنی بر تغییر در ارزش‌های اساسی جوامع صنعتی پیشرفته از دهه ۱۹۶۰ آغاز شد که شروع به جایگزین شدن ارزش‌های مادی کرده بودند. این تغییر با اصلاحات مادی‌گرایی و فرامادی‌گرایی مفهوم‌سازی شد. اینگلهارت، عضو پیشرو این دیدگاه از آن به‌عنوان تغییر از ارجحیت دادن به ثروت مادی و امنیت به سوی تأکید بیشتر بر احساس تعلق، تحقق

خانه‌داری، زنان را از مشارکت در اشکال مستقیم کنشگری مانند تدوین استراتژی‌های سازمان‌های غیردولتی محروم کرده و به سمت مسئولیت‌هایی مانند منشی‌گری و امور دفتری در این سازمان‌ها سوق می‌دهد. برای مثال، در مطالعه‌ای، نویسنده به این نتیجه رسیده که علیرغم این واقعیت که زنان نگرانی‌های بیشتری در رابطه با محیط‌زیست ابراز می‌کنند، مردان کنشگری بیشتری در این رابطه نشان می‌دهند (Mohai, 1992).

با این حال، گرچه تقسیم کار جنسیتی، کنشگری محیط‌زیستی زنان را کاهش می‌دهد، اما ممکن است موجب بالاتر رفتن فرصت‌های بروز رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی آنان شود. از آنجایی که بسیاری از رفتارهای محیط‌زیستی، مانند استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی، بازیافت، عدم استفاده از ظروف یک‌بار مصرف، می‌توانند در زندگی روزمره، در محل کار و خانه انجام شوند، هزینه نسبتاً کمی برای افراد دارند. بنابراین جایگاه زنان در تقسیم کار اجتماعی، و سهم بیشتر آنان در امور خانه‌داری، رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی را در آنان تقویت می‌کند.

۲-۳. فرایندهای مبتنی بر شبکه روابط و کنشگری محیط‌زیستی

به طور کلی، فرض بر این است که جنبش‌های اجتماعی، افرادی با عقاید مشترک را به خود جذب می‌کند، اما عوامل دیگری نیز در مشارکت افراد در این جنبش‌ها وجود دارند. ارزش‌ها و عقاید مشترک به‌عنوان پیش شرط کنشگری مطرح می‌شوند، اما مشارکت مداوم در جنبش‌ها را تعیین نمی‌کند (McFarlane & Hunt, 2006; Kennedy, 2016). به عبارتی شرط لازم بوده اما کافی نیستند. بر اساس مطالعات انجام شده، تنها کسر کوچکی از طرفداران محیط‌زیست، درگیر کنشگری فعال می‌شوند؛ و تمایز میان این دو را پیوندهای شبکه‌ای، ارتباطات، طول مدت عضویت در یک جنبش اجتماعی و میزان اشتراک هویتی با جنبش مربوطه مشخص می‌کند (Tindall, 2002). به نظر می‌رسد که فردی که ارتباط بیشتری با اعضای یک جنبش

نیز بر این فرض استوار است که جهت‌گیری ارزشی فرد - مادی‌گرایی یا فرامادی‌گرایی - عمدتاً در سال‌های اولیه زندگی شکل می‌گیرد و معتقد است که جهت‌گیری اولیه فرد علیرغم تجارب بعدی او نسبتاً پایدار می‌ماند (عباس زاده و علوی، ۱۳۹۵). دیدگاه اینگلهارت را می‌توان پشتیبانی نظریه فرهنگی از جنبش‌های اجتماعی جدید، از جمله جنبش‌های محیط‌زیستی در شکل ظهور ارزش‌های نو به حساب آورد. ارتباط بین نگرانی محیط‌زیستی زنان (ناشی از تقسیم کار جنسیتی) و ارزش‌های فرامادی، ما را به این توجیه می‌رساند که زنان کنشگر محیط‌زیست حامل ارزش‌های فرامادی بوده و این ارزش‌ها واسطه تأثیر جنسیت بر محیط زیست‌گرایی هستند.

تقسیم کار جنسیتی موجبات ظهور ویژگی‌های جمعیت شناختی مانند نقش مادری می‌شود که توانایی زنان در مشارکت در جنبش‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گرایش‌های مختلف اکوفمینیسم و نظریه جامعه‌شناختی محیط‌زیست، زنان را مخالف جدی فناوری‌های مخاطره‌آمیز برای زندگی می‌دانند (McFarlane & Hunt, 2006; Kennedy, 2016; Kennedy & Kmec, 2018). جامعه‌شناسان محیط‌زیست توجه ویژه‌ای به نقش مادری در بالا رفتن آگاهی محیط‌زیستی و کنشگری در جهت سلامت فرزندان داشته‌اند؛ و این ویژگی را ناشی از نحوه جامعه‌پذیری زنان برای نقش‌های مراقبتی و حمایتی دانسته‌اند که اولویت را به سلامت خانواده و به‌ویژه فرزندان معطوف می‌کند (Tindall et al., 2003). بنابراین، انتظار می‌رود زنان، زمانی که مادر نیز باشند، برای کنشگری محیط‌زیستی مستعدتر باشند. از طرف دیگر، مادر بودن زمان و دسترسی‌های فرد برای کنشگری را محدود می‌کند؛ جامعه‌شناسان از مفهوم دسترسی بیوگرافیکی^۷ برای نشان دادن توانمندی کنشگری فرد در جنبش‌ها بر اساس نقش‌ها و وظایف فرد در زندگی بهره می‌برند (McAdam, 1986). محدودیت‌هایی نظیر کار تمام وقت، ازدواج، و مسئولیت‌های خانواده، بر صرف زمان و هزینه و نحوه ریسک‌پذیری افراد در رابطه با جنبش‌های اجتماعی مؤثر است؛ با این توصیفات، می‌توان نتیجه گرفت که مسئولیت

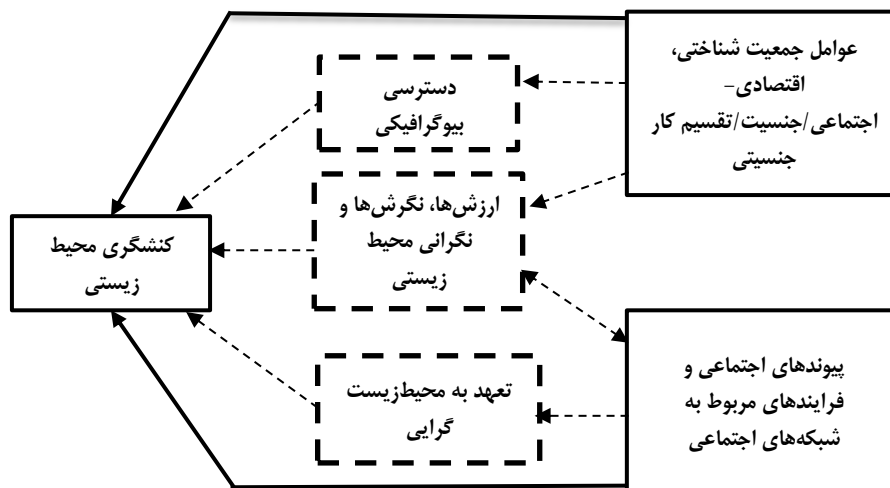
مطالعه، روابط نظری این متغیر با سایر متغیرها به صورت کامل شرح داده خواهد شد. زنان، به علت الگوهای متفاوت جامعه‌پذیری و نیز تجربه متفاوتشان در تقسیم کار در هر دو حوزه خصوصی و عمومی، در مقایسه با مردان، با احتمال بیشتری نگرانی‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های محیط‌زیستی را در خود دارند. این نگرانی هم به طور مستقیم بر کنشگری محیط‌زیستی آنان تأثیر می‌گذارد و هم به صورت غیرمستقیم از طریق متغیر تعهد به محیط زیست‌گرایی مؤثر است. از سوی دیگر، از آنجایی که زنان بیشترین وظیفه مراقبت از کودکان و خانه‌داری را (حتی زمانی که شاغل تمام وقت هستند) به عهده دارند، به علت دسترسی کمتر به امکانات و زمان لازم از مشارکت در فعالیت‌های جنبش‌های اجتماعی از جمله جنبش‌های محیط‌زیستی، باز می‌مانند. این احتمال وجود دارد که تأثیر منفی دسترسی بیوگرافیکی پایین زنان، تأثیر مثبت نگرانی و تعهد محیط‌زیستی آن‌ها را بر میزان کنشگری محیط‌زیستی آنان خنثی کند (Tindall et al., 2003). بنابراین، نمی‌توان از میزان کنشگری زنان نسبت به مردان اطمینان حاصل کرد؛ علاوه بر جنسیت، مجموعه‌ای از متغیرهای جمعیت‌شناختی و اقتصادی-اجتماعی به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته می‌شوند.

داشته باشد، کنشگری بیشتری خواهد داشت. چنین پیوندهایی، موجبات اشتراک در اطلاعات و آگاهی، حمایت و فشار اجتماعی لازم در زمینه مشارکت را فراهم می‌کنند؛ در این صورت، فرد آماده یادگیری مسائل و فعالیت‌های مربوط به جنبش شده و با مواجهه با انواع اطلاعات و فشارهای اجتماعی، برای کنشگری مهیا می‌شود. به علاوه، عقاید، نگرش‌ها و هویت فرد با تعامل با افراد همفکر، تقویت شده و تعهد او برای کنشگری قوت می‌یابد. این فرایندها زمینه تعاملاتی را فراهم می‌کنند که به شکل‌گیری هویت جمعی می‌انجامد و احتمالاً موجب افزایش کنشگری محیط‌زیستی و رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی خواهند شد.

۲-۴. مدل تحلیلی کنشگری زیست‌محیطی

کنشگری محیط‌زیستی متأثر از عواملی است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم با آن رابطه دارند. این عوامل را با توجه به مبانی نظری بخش پیشین می‌توان به دو دسته عوامل جمعیت‌شناختی و اقتصادی-اجتماعی (مانند جنسیت، سن، تحصیلات، والدین بودن و درآمد) و عوامل شبکه اجتماعی (مانند پیوند با سایر اعضای جنبش و فراوانی ارتباطات و سطح هویت مشترک با جنبش) تقسیم‌بندی کرد.

در مدل مفهومی شکل (۱)، جنسیت به عنوان متغیر مستقل اصلی آمده است؛ به همین دلیل در این بخش از



شکل ۱. چهارچوب مفهومی پژوهش (Tindall et al., 2003)

تذکر چند نکته در رابطه با روشی که در این مطالعه در پیش گرفته شده است، ضروری است؛ بیشتر مطالعات در رابطه با اندازه‌گیری کنشگری محیط‌زیستی (و در حالت کلی کنشگری اجتماعی)، عضویت یا عدم عضویت افراد در سازمان مردم‌نهاد (سمن) مربوطه را بررسی کرده‌اند (Dauphinais et al., 1992; Mohai, 1992). در حالی که در این مطالعه مشارکت مداوم اعضاء در سازمان مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ این روش اندازه‌گیری موجب می‌شود که عوامل ساختاری مشارکت، مانند عضویت صرف در سمن و پیوندهای غیررسمی شبکه‌ای، از کنشگری مجزا شوند. از طرفی، در این مقاله، کنشگری به‌عنوان متغیری پیوسته از عدم کنشگری تا کنشگری پایدار در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، بحث درباره سطوح مختلف کنشگری است، نه کنشگری یا عدم کنشگری. از سوی دیگر، در بیشتر مطالعات مربوط به مشارکت در جنبش‌های اجتماعی تمایل به تمرکز بر کنشگری با ریسک بالا و هزینه بالاست (Tindall et al., 2003)، اما در این مقاله، تمرکز بر کنشگری با ریسک و هزینه پایین و متوسط است که در آن، کنشگران به فعالیت‌های معمول در سمن‌ها می‌پردازند. میدان مورد مطالعه این مقاله، سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی (سمن‌های محیط‌زیستی) در استان آذربایجان شرقی است. جامعه آماری، اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی استان هستند که در زمان اجرای پژوهش به‌عنوان عضو رسمی سازمان مربوطه شناخته شده و فرم عضویت را تکمیل کرده‌اند. آخرین آمار رسمی از سمن‌های محیط‌زیست و منابع طبیعی استان آذربایجان شرقی مربوط به سال ۱۳۹۸ است. این آمار را اداره کل محیط‌زیست استان آذربایجان شرقی در سایت مربوط به این اداره کل منتشر کرده است. در زمان انجام این پژوهش، تعداد ۲۳ سمن در حوزه محیط‌زیست در استان آذربایجان شرقی فعال بوده‌اند. این سمن‌ها مجوز فعالیت خود را از نهادهای مختلف دولتی، مانند استانداری، فرمانداری، سازمان ملی جوانان، سازمان تربیت بدنی،

مدل ترکیبی شکل (۱) روابط مجموعه متغیرهای مربوط به شبکه روابط اجتماعی را نیز به تصویر می‌کشد. با توجه به مطالعات پیش‌گفته به نظر می‌رسد که داشتن پیوندهای اجتماعی بیشتر، صحبت با دیگران درباره مسائل جنبش‌های محیط‌زیستی و داشتن هویت مشترک با آن جنبش‌ها، ارزش‌ها و نگرانی‌های محیط‌زیستی را در افراد تقویت کرده و آن‌ها را نسبت به محیط‌زیست متعهد می‌کند و در نتیجه همه این‌ها، احتمال کنشگری محیط‌زیستی افراد افزایش می‌یابد. به همین ترتیب، متغیرهای ارزش‌ها، نگرش‌ها و نگرانی‌های محیط‌زیستی تأثیر متقابلی بر متغیرهای مربوط به پیوندهای اجتماعی دارند؛ برای نمونه، افراد دارای ارزش‌های حفاظت از محیط‌زیست، با احتمال بیشتری با محیط‌زیست‌گرایان دیگر وارد کنش متقابل شده و پیوند برقرار می‌کنند.

۲-۵. روش‌شناسی پژوهش

در این مطالعه که به روش پیمایشی و تحلیل کمی انجام شده است، با توجه به ادبیات نظری پژوهش در رابطه با جنسیت و محیط‌زیست‌گرایی، این مسئله مطرح می‌شود که آیا زنان نسبت به مردان مشارکت بیشتری در جنبش‌های محیط‌زیستی دارند و این که مشارکت آن‌ها در این جنبش‌ها معمولاً در چه سطحی است؟ در سطح بنیان‌گذاری، سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌ها یا در سطح دفترداری و منشی‌گری؟

بنابراین، فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

- زنان نسبت به مردان به طور معناداری از میزان کنشگری محیط‌زیستی بیشتری برخوردارند.
- زنان نسبت به مردان، با کنترل اثر سایر متغیرها بر کنشگری محیط‌زیستی، به طور معناداری میزان کنشگری محیط‌زیستی بیشتری دارند.
- مجموعه متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر کنشگری محیط‌زیستی زنان، به طور معناداری متفاوت از مجموعه متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر کنشگری محیط‌زیستی مردان است.

به‌عنوان متغیر مستقل کانونی ما در کنار متغیرهای کنترل‌ی نظیر سن، تحصیلات و درآمد اندازه‌گیری خواهد شد تا به این سؤال پاسخ داده شود که آیا تأثیر جنسیت بر کنشگری محیط‌زیستی، مستقل از سایر متغیرهای اجتماعی - اقتصادی است یا خیر.

به علاوه، متغیر «طول مدت عضویت در سمن‌ها» نیز کنترل شده است و متغیر «والدین بودن» و نیز تأثیر جنسیت هم‌زمان با والدین بودن در کنار کنترل متغیرهای دیگر اندازه‌گیری می‌شود.

در مدل آماری، ارزش‌های محیط‌زیستی به‌عنوان متغیر مداخله‌گر حضور دارد، که احتمالاً بین متغیر جنسیت و کنشگری میانجی‌گری می‌کند. در ضمن، تأثیر ارتباط با سایر کنشگران در سمن‌ها، فراوانی ارتباطات و سطح هویت مشترک کنشگرها با سمن‌ها نیز بررسی می‌شود.

داده‌های مربوط به مطالعه، از طریق پرسشنامه (Tindall et al., 2003) گردآوری شده است. این پرسشنامه پیش از به کارگیری در مطالعه، توسط پیش‌آزمونی بررسی شده و بر اساس بازخورد افراد مورد مطالعه، اصلاحاتی در گویه‌های آن انجام شده و بومی‌سازی شده است. گویه‌های پرسشنامه برای اندازه‌گیری متغیر پیوسته کنشگری استفاده شده است. اندازه متغیر پیوسته کنشگری، میانگین اندازه‌های شاخص‌ها و اندازه شاخص‌ها میانگین اندازه گویه‌های مربوط به آن‌ها است. گویه‌های مربوط به کنشگری زیست‌محیطی با گزینه‌های پاسخ بله (۱) و خیر (۰) مشخص می‌شوند.

۳. نتایج

جدول ۱ شاخص‌ها و گویه‌های مربوط به این متغیر را در کنار درصد مردان و زنان مشارکت‌کننده در فعالیت‌های زیست‌محیطی (کنشگر) سمن‌های استان نشان می‌دهد. در این مطالعه، فرض بر این است که زنان بیشتر از مردان در فعالیت‌های محیط‌زیستی سمن‌ها مشارکت کرده‌اند و یافته‌های ۲۱ گویه مربوط به میزان مشارکت در فعالیت‌های

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سازمان حفاظت از محیط‌زیست دریافت کرده‌اند. زمینه فعالیت این سمن‌ها عبارت‌اند از:

- آموزش و فرهنگ‌سازی از طریق کارگاه‌های آموزشی، سمینارها و برنامه‌های تخصصی، ارتقای فرهنگ محیط‌زیستی در میان کودکان، دانش‌آموزان و زنان
 - فعالیت‌های حفاظت از محیط‌زیست مانند توسعه فضای سبز، پاک‌سازی طبیعت، دیده‌بانی از محیط‌زیست و منابع طبیعی، ایجاد پناهگاه حیات‌وحش در طبیعت و توسعه عرصه‌های طبیعی و درختکاری
 - برنامه‌های تحقیقاتی تخصصی در حوزه محیط‌زیست مانند بررسی و احیا زیست‌بوم‌های تخریب شده و معرفی مجدد و احیای گونه‌های جانوری و گیاهی در معرض انقراض، و نیز مسئله پیچیده آب در منطقه آذربایجان
 - توسعه گردشگری پایدار و بومگردی در سطح استان، کارآفرینی، اشتغال و تغییر معیشت در راستای حفظ محیط‌زیست، برنامه‌های حمایتی از کشاورزان با محصولات ارگانیک و طبیعی
 - جذب حمایت‌های مادی و معنوی از خیرین استان در زمینه اجرای برنامه‌های فوق
- حجم جامعه آماری یا به عبارتی تعداد اعضای رسمی سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی در استان آذربایجان شرقی بر اساس اعلام اداره کل محیط‌زیست استان، ۱۵۳۶۵ نفر است که فرم عضویت سازمان‌های مردم‌نهاد را پر کرده و به همین علت عضو سازمان مربوطه محسوب می‌شوند. از این تعداد، ۸۰۵۰ نفر زن و ۷۳۱۵ نفر مرد هستند. نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب و حجم نمونه توسط فرمول کوکران با مقدار خطای ۰/۰۵، ۳۷۵ نفر تعیین شده است. افراد نمونه از تمامی ۲۳ سمن استان به‌صورت متناسب و تصادفی برای گردآوری اطلاعات انتخاب شده‌اند.
- در مدل آماری مطالعه، تأثیرگذاری متغیر جنسیت

کنشگری زیست‌محیطی برای مردان و زنان بررسی شده است.

برای سنجش متغیرهای مستقل میزان پیوندهای اجتماعی، فراوانی ارتباطات و سطح هویت مشترک با سمن از مطالعه تیندال استفاده شده است (Tindall & Piggot, 2015). او در این مطالعه محیط‌زیست‌گرایی را متأثر از روابط اجتماعی و فرهنگی افراد دانسته و نوع شبکه‌های اجتماعی که فرد در آن‌ها حضور دارد و نیز پیوندهای اجتماعی با اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی را با نگرش‌های مسئولانه محیط‌زیستی آن‌ها در ارتباط می‌بیند. همین‌طور، اندازه‌گیری میزان ارزش‌های فرامادی اعضای سمن‌ها به روش کید و لی انجام شده است (Kidd & Lee, 1997).

سمن‌های استان نیز همین فرض را تأیید می‌کنند. در بیشتر این گویه‌ها، میانگین کنشگری زنان نسبت به مردان بالاتر است، اما آزمون t نشان می‌دهد که تفاوت کنشگری بین زنان و مردان در آن گویه‌ها معنادار نیست. با این حال، در ۸ گویه از ۲۱ گویه، میانگین کنشگری مردان نسبت به زنان بالاتر بوده و در عین حال، این تفاوت میانگین‌ها، در این ۸ گویه توسط آزمون t معنادار نشان داده شده است. در کل، میانگین مشارکت مردان در سمن‌های استان (۲۷,۶۷ درصد) در مقایسه با میانگین مشارکت زنان (۲۷,۱۰ درصد) برای مجموع گویه‌ها، بالاتر است اما این تفاوت معنادار نیست. در جدول ۱ معناداری تفاوت میانگین‌ها برای تمامی گویه‌های کنشگری زیست‌محیطی و نیز متغیر

جدول ۱. شاخص‌ها و گویه‌های مربوط به متغیر وابسته کنشگری محیط‌زیستی

درصد مردان	درصد زنان با پاسخ بله	نوع مشارکت در سمن (نوع کنشگری)
با پاسخ بله n= ۱۷۷	n= ۱۹۸	
۵۷/۱	۵۹/۴	۱. مشارکت مادی به‌منظور حمایت از سمن کمک مالی برای فعالیت‌های سمن
۶۰/۶	۶۴/۳	خرید محصولات تولیدی سمن‌ها به‌منظور حمایت از فعالیت‌های زیست‌محیطی
۱۳*	۱۰/۵	جذب حمایت‌های مادی خیرین استان به‌منظور اجرای برنامه‌های سمن
۵۷/۲*	۴۴/۸	۲- امضای بیانیه‌ها و نوشتن نامه مشارکت در تدوین نامه به مسئولان و مدیران شرکت‌ها و کارخانه‌ها درباره موضوعات محیط‌زیستی
۱۲/۳*	۷/۹	مشارکت در نوشتن مطلب برای نشریات و رسانه‌های اجتماعی درباره موضوعات محیط‌زیستی
۱۷/۸	۱۷/۹	امضای نامه، بیانیه یا دادخواست‌های مربوط به موضوعات محیط‌زیستی
۵۵/۴	۵۶/۱	۳- شرکت در رویدادهای عمومی برگزار شده سمن‌ها درباره موضوعات محیط‌زیستی
۴۰	۴۱/۵	حضور در تجمعات مربوط به موضوعات محیط‌زیستی
		حضور در جلسات با موضوعات محیط‌زیستی
۳۵/۳	۳۷/۸	۴- فعالیت‌های آموزشی و فرهنگ‌سازی
۲۸/۸	۳۲/۳	برگزاری کارگاه‌ها، همایش‌ها و برنامه‌های مربوط به حفاظت از محیط‌زیست برای بزرگسالان
		همکاری با مهدهای کودک و مدارس در آموزش محیط‌زیستی کودکان و دانش‌آموزان
۵۰/۱	۵۰/۴	۵- فعالیت‌های حفاظتی
۷۷/۳	۷۹/۶	توسعه فضای سبز و درختکاری
۶/۷*	۲/۵	پاک‌سازی طبیعت
		دیده‌بانی از محیط‌زیست و منابع طبیعی

ادامه جدول ۱. شاخص‌ها و گویه‌های مربوط به متغیر وابسته کنشگری محیط‌زیستی

درصد مردان	درصد زنان با پاسخ بله n= ۱۹۸	نوع مشارکت در سمن (نوع کنشگری)
با پاسخ بله n= ۱۷۷		
۲/۶*	۱/۵	ایجاد پناهگاه حیات‌وحش در طبیعت
		۶- برنامه‌های تحقیقاتی تخصصی حوزه محیط‌زیست
۵/۹*	۲/۸	مشارکت در بررسی و احیاء زیست‌بوم‌های تخریب شده
۹/۶	۱۰/۴	مشارکت در برنامه‌های معرفی مجدد و احیاء گونه‌های جانوری و گیاهی در معرض انقراض
۲۲*	۲۱/۲	مشارکت در بررسی مسئله پیچیده آب در منطقه آذربایجان
		۷- توسعه گردشگری پایدار و بومگردی در سطح استان
۶/۶*	۲/۳	کارآفرینی، ایجاد اشتغال برای تغییر معیشت بومیان در راستای حفظ محیط‌زیست
۴/۹	۵/۲	مشارکت در برنامه‌های حمایتی از کشاورزان منطقه
۳/۱	۳/۳	مشارکت در حمایت از کشاورزان به منظور تولید محصولات ارگانیک
۱۵/۸	۱۷/۵	۸- دیگر انواع مشارکت‌ها

* معناداری تفاوت میانگین‌ها در سطح ۰/۰۵

جدول ۲. ضرایب رگرسیونی استاندارد برای پیش‌بینی متغیر وابسته کنشگری محیط‌زیستی

مدل ۲ n=۳۷۵	مدل ۲ n=۳۷۵	مدل ۱ n=۳۷۵	متغیرهای مستقل
۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۴	جنسیت
*-۰/۱۵	**۰/۲۶	**۰/۲۶	سن
۰/۰۸	۰/۱۲	۰/۱۲	مجذور میزان تحصیلات
**۰/۱۶	**۰/۳۸	**۰/۳۸	لگاریتم طول مدت عضویت
۰/۰۰	۰/۰۹	۰/۰۹	میزان درآمد
-۰/۰۳	-۰/۰۴	---	والد بودن
-۰/۰۳	---	---	شاخص ارزش‌های فرامادی
**۰/۲۶	---	---	لگاریتم میزان پیوندها
**۰/۱۶	---	---	لگاریتم فراوانی ارتباطات
**۰/۳۵	---	---	سطح هویت مشترک با سمن
**۰/۴۸	**۰/۱۸	**۰/۱۸	R^2
**۰/۴۵	**۰/۱۶	**۰/۱۵	R^2_{adj}

--، متغیر در معادله وجود ندارد

* معناداری در سطح ۰/۰۵

** معناداری در سطح ۰/۰۱

طرفی دچار محدودیت دسترسی بیوگرافیکی بیشتری نیز هستند.

۳-۱. مدل رگرسیونی کنشگری محیط‌زیستی برای مردان و زنان

آیا مدل‌های متفاوتی، کنشگری محیط‌زیستی مردان و زنان را پیش‌بینی می‌کنند؟ جدول ۳ مدل‌های جداگانه رگرسیونی برای پیش‌بینی کنشگری محیط‌زیستی مردان و زنان پژوهش حاضر ارائه می‌کند. بیشتر متغیرها به صورت مشترک، کنشگری مردان و زنان را پیش‌بینی می‌کنند و مقدار واریانس پیش‌بینی شده متغیر وابسته کنشگری، توسط متغیرهای مستقل در زنان (۴۰ درصد) و مردان (۴۷ درصد) تقریباً مشابه است. برخلاف انتظار در این پژوهش و نیز ادبیات موضوع، والدین بودن مستقلاً تأثیری بر میزان کنشگری در زنان و مردان ندارد؛ البته، این امکان نیز وجود دارد که عوامل مختلف اثر یکدیگر را خنثی کرده باشند. در هر دو گروه زنان و مردان، افراد جوان‌تر، نسبت به دیگر اعضا، پیوندهای بیشتری با دیگر اعضای سمن‌ها دارند و بیشتر درگیر ارتباطات با موضوع مسائل محیط‌زیستی هستند و سطح هویت مشترک بیشتری با سمن‌ها داشته و در نهایت، کنشگری محیط‌زیستی بیشتری نسبت به دیگر اعضا دارند.

به طور خلاصه، این مطالعه در رابطه با اعضای رسمی سمن‌های محیط‌زیستی استان آذربایجان شرقی، به دو یافته کلیدی دست پیدا کرده است: نخست، میزان کنشگری زنان نسبت به مردان در هر دو سطح صفر و چندمتغیره تفاوت معناداری ندارد. دوم، متغیرهای مشابهی میزان کنشگری در مردان و زنان را پیش‌بینی می‌کنند. در بخش بعدی پژوهش، این یافته‌ها را تفسیر کرده و آن‌ها را با متون جامعه‌شناسی محیط‌زیست و ادبیات جنبش‌های اجتماعی مقابله می‌دهیم.

جدول شماره ۲ یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه را نشان می‌دهد که سطح کنشگری را با توجه به انواع متغیرهای مستقل پیش‌بینی کرده است. برای استفاده از تحلیل رگرسیونی در برخی از متغیرها که با پیش فرض‌های تحلیل رگرسیونی سازگار نبودند، از تبدیل لگاریتمی آن‌ها استفاده شده است و همین‌طور برای متغیر جنسیت، این متغیر طبقه‌ای کیفی به صورت متغیری مجازی وارد تحلیل رگرسیونی شده است. ستون ۱ حاکی از این است که ضریب بتای استاندارد جنسیت کوچک بوده و معنادار نیست. شایان ذکر است که ضرایب با حذف متغیر طول مدت عضویت در سمن از مدل، تغییری نمی‌کنند. بنابراین، زنان، با کنترل متغیرهای کلیدی مانند سن، میزان تحصیلات، طول مدت عضویت در سمن و میزان درآمد، کنشگرتر از مردان در زمینه فعالیت‌های محیط‌زیستی نیستند. متغیر کنشگری را با متغیر سن (اعضای جوان‌تر سمن‌ها، مشارکت بیشتری در فعالیت‌های محیط‌زیستی سمن داشته‌اند) و متغیر طول مدت عضویت در سمن (اعضایی با طول مدت فعالیت بیشتر، کنشگری بیشتری نسبت به سایر اعضا دارند)، بهتر از متغیرهای دیگر می‌توان پیش‌بینی کرد. در ستون ۲، متغیر والدین بودن افزوده شده است و ضرایب نشان می‌دهند که والدین بودن یا نبودن تأثیر معناداری با میزان کنشگری اعضا نداشته است. در مدل ۳، باقی متغیرهای مستقل وارد شده‌اند. اعضای جوان‌تر با طول مدت عضویت بیشتر و پیوندهای بیشتر با دیگر اعضای سمن‌ها که ارتباطات بیشتری را تجربه می‌کنند و آن‌هایی که سطح مشترک هویتی بیشتری با سمن‌ها داشته‌اند، کنشگری بیشتری نسبت به باقی اعضا دارند. این عدم تأثیر جنسیت در کنشگری، به احتمال زیاد بازتاب تأثیرات مقطاعی است که در ادبیات پژوهش آمده است. فرایندهایی که به طور هم‌زمان هم باعث ایجاد انگیزه و در عین حال به محدودیت زنان منجر می‌شوند، ممکن است که یکدیگر را بی‌اثر کنند. به عبارت دیگر، زنان نسبت به محیط‌زیست احساس تعهد بیشتری دارند، اما از

جدول ۳. ضرایب استاندارد مدل رگرسیونی پیش‌بینی کننده کنشگری محیط‌زیستی بر اساس جنسیت

زن		مرد		متغیرهای مستقل
مدل ۴ n=۱۹۸	مدل ۳ n=۱۹۸	مدل ۲ n=۱۷۷	مدل ۱ n=۱۷۷	
-۰/۱۸*	-۰/۱۹**	-۰/۰۹	۰/۲۴**	سن
۰/۰۳	۰/۰۰	۰/۱۱	۰/۲*	مجدور میزان تحصیلات
۰/۲۲*	۰/۴۲**	۰/۰۹	۰/۳۷**	لگاریتم طول مدت عضویت در سمن
-۰/۰۴	۰/۰۱	-۰/۰۲	-۰/۰۷	والدین بودن
۰/۰۳	۰/۱۵	۰/۰۳	۰/۰۵	لگاریتم میزان درآمد
-۰/۰۳	--	-۰/۰۱	--	شاخص ارزش‌های فرامادی
۰/۳۰**	--	۰/۲۷**	--	لگاریتم میزان پیوندها
۰/۱۸**	--	۰/۱۵*	--	لگاریتم فراوانی ارتباطات
۰/۲۸**	--	۰/۴۰**	--	سطح هویت مشترک با سمن
۰/۴۵**	۰/۱۶**	۰/۵۱**	۰/۲۰**	R ²
۰/۳۹**	۰/۱۱**	۰/۴۷**	۰/۱۶**	R ² _{adj}

--، متغیر در معادله وجود ندارد

* معناداری در سطح ۰/۰۵

** معناداری در سطح ۰/۰۱

۴. بحث و نتیجه‌گیری

بنا بر یافته‌های پژوهش، زنان عضو سمن‌های محیط‌زیستی استان آذربایجان شرقی، کنشگری بیشتر و معناداری نسبت به مردان عضو این سمن‌ها ندارند. با این‌که بنابر ادبیات موجود، زنان بیشتر از مردان درگیر رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی بوده و نگرانی زیست‌محیطی بیشتری را تجربه می‌کنند (Dzialo, 2017; Kennedy & Kmec, 2018; Hsu et al., 2019). بنابراین، زنان نگرانی زیست‌محیطی بیشتری از خود در رفتارهایشان بروز داده‌اند، بدون این‌که کنشگری بیشتری در زمینه محیط‌زیست از آنان شاهد باشیم. این تناقض را با توجه به ادبیات جامعه‌شناسی محیط‌زیست و جنبش‌های اجتماعی بایستی پاسخ دهیم. چگونه می‌توان این دو یافته را آشتی داد؟

گرچه این یافته‌ها در ظاهر، متناقض می‌نمایند اما دقیقاً

با مدل مفهومی پیش‌گفته (شکل ۱) سازگاری دارند. در مدل پیش‌بینی کننده کنشگری محیط‌زیستی، عوامل افزایش‌دهنده کنشگری (مانند ارزش‌های محیط‌زیستی) و محدود کننده کنشگری (مانند دسترسی بیوگرافیکی) به‌عنوان میانجی رابطه بین جنسیت و کنشگری محیط‌زیستی اعلام وجود می‌کنند. با این حال، به نظر می‌رسد، عواملی که به محدودیت کنشگری محیط‌زیستی منجر می‌شوند، روی رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی که در متن زندگی روزمره شکل می‌گیرند، تأثیر چندانی نخواهند داشت. بنابراین، از لحاظ نظری، تأثیر جنسیت بر کنشگری محیط‌زیستی و رفتار مسئولانه محیط‌زیستی مشابه نخواهد بود. در واقع، شکل‌گیری ادبیات نظری در رابطه با جنسیت و کنشگری محیط‌زیستی دوگانه بوده است (Tindall et al., 2003; Binder & Blankenberg, 2016; Kennedy, 2016) و به همین دلیل، پیش‌بینی کنشگری

شده توسط زنان، با کاهش میزان دسترسی بیوگرافیکی آنان، میزان کنشگری محیط‌زیستی آن‌ها را محدود می‌کند، سازگار است.

سؤالی که در این مرحله مطرح می‌شود، این است که بر اساس نتیجه این مطالعه و مقایسه با نتیجه مطالعات دیگر، چرا وجود این محدودیت‌ها برای زنان، آن‌ها را از کنشگری محیط‌زیستی باز می‌دارد نه از رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی؟ با توجه به این نکته که در یافته‌های مطالعات پیشین رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی در زنان بیشتر از مردان گزارش شده است (Xiao & Hong, 2018; عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۵). بخشی از بحث نظری این پژوهش به این موضوع اختصاص داشت که تقسیم کار جنسیتی، نسبت بیشتری از کار خانگی و مراقبت از فرزندان را به زنان اختصاص می‌دهد، و این مربوط به هر دو دسته زنان خانه‌دار و زنان شاغل تمام وقت است. زنان مورد مطالعه این پژوهش نیز کار خانگی بیشتری را انجام می‌دهند؛ با این حال، بسیاری از فعالیت‌های مربوط به حفاظت از محیط‌زیست در حوزه کار خانگی و امور روزمره قرار می‌گیرند. بنابراین، یک توضیح برای این تناقض ظاهری این است که زنان بیشتر این فعالیت‌ها را انجام می‌دهند. فعالیت‌هایی مانند خرید محصولات ارگانیک، تفکیک زباله‌ها، استفاده کمتر از محصولات پاک‌کننده زیان‌بار برای محیط‌زیست و استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی برای انجام امور روزمره، بیشتر توسط زنان انجام می‌شود.

بنابر متون نظری به نظر می‌رسد که کنشگری محیط‌زیستی زنان، بازتابی از تعهد آنان به محیط‌زیست است که رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی را تسهیل می‌کند. در مقابل، رفتار مسئولانه محیط‌زیستی در مردان، رفتاری خصوصی است که کمتر با کنشگری سازمان‌یافته آن‌ها هماهنگ است (Tindall et al., 2003). پس می‌توان حدس زد که مشارکت‌کنندگان زن در جنبش‌های محیط‌زیستی، بیشتر از هم‌تایان مرد خود، بین انواع مختلف فعالیت‌های

محیط‌زیستی بیشتر زنان نسبت به مردان، ارائه فرضیه و آزمون آماری آن تا حدودی جسورانه بوده است. همان‌طور که برخی پژوهشگران (McAdam, 1986; Mohai, 1992) بیان کرده‌اند، فشارهای متناقضی برای کنشگری زنان در حوزه محیط‌زیست وجود دارد؛ از جمله، اشتغال مضاعف زنان در حوزه خانگی و اجتماعی که نتیجه تقسیم کار جنسیتی بوده و به محدودیت در کنشگری زنان منجر می‌شود. برای تشریح این مطلب می‌توان گفت ممکن است زنان نگرانی بیشتری نسبت به مردان در موضوع محیط‌زیست داشته باشند، اما کمبود منابع برای آن‌ها با احتمال زیادی کنشگری آن‌ها را محدود خواهد کرد. در واقع، مدت زمانی که زنان صرف کار خانگی می‌کنند، زمان آن‌ها برای کنشگری و مشارکت در فعالیت‌های سمن‌های محیط‌زیستی را نسبت به مردان محدود می‌کند. اگر پژوهشگران، ابزار اندازه‌گیری دقیقی برای سنجش مدت زمان صرف شده زنان در کار خانگی و مراقبت از فرزندان داشته باشند، می‌توان این موضوع را بررسی کرد که چرا نگرانی محیط‌زیستی زنان، نمی‌تواند به کنشگری و فعالیت بیشتر در سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی تغییر شکل دهد. بنابر معهود مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است و در آن‌ها از زنان و مردان در رابطه با میزان ساعاتی سؤال شده است که در هفته کار خانه را انجام می‌دهند؛ زنان به طور متوسط ۱۲/۸۳ ساعت در هفته بیشتر از مردان، مشغول کار خانگی بوده‌اند و حدود ۷۳ درصد از کار خانه بر دوش آن‌ها بوده است. مسئولیت بیشتر زنان در خانه، پایین بودن سطح کنشگری آن‌ها را در سمن‌های محیط‌زیستی توضیح می‌دهد. بنابراین، رابطه منفی معناداری بین درصد اشتغال به کار خانگی زنان و میزان کنشگری آنان وجود دارد ($r = -0.36, p < 0.05$) (Tindall et al., 2003). به عبارت دیگر، زنان با مسئولیت بیشتر در خانه و خانواده، کمتر موفق به کنشگری در جنبش‌های اجتماعی از جمله جنبش‌های زیست‌محیطی شوند. این نتیجه، با ادعای این پژوهش در این رابطه که حجم زیاد کار خانگی انجام

در نهايت، يافته‌ها و نتايج اين پژوهش مي‌تواند براي سازمان‌هاي مردم‌نهاد محيظ‌زيستي مفيد باشد؛ عضويت سازمانی زنان، منبعی است که می‌تواند حتی کوچک‌ترین و کم‌اهمیت‌ترین جنبه‌های رفتار محيظ‌زيستي آن‌ها را تقويت کند. اگر جنبش‌هاي محيظ‌زيستي و سازمان‌هاي مردم‌نهاد مربوط به آن‌ها می‌خواهند که الگوی مصرف روزانه افراد را تغيير دهند و آن‌ها را متمایل به پذيرش مسؤليت در قبال مسائل محيظ‌زيستي کنند، احتمالاً تمرکز روی زنان مؤثرترین استراتژی ممکن خواهد بود. برای فعال‌تر شدن زنان و مشارکت بیشتر آنان در نقش‌هاي کلیدی سمن‌ها، باید مسؤليت آنان در خانه و مراقبت از کودکان نسبت به حال حاضر کمتر شود و گر نه آثار متناقض جنسيت، همچنان بسياری از زنان با ميزان نگرانی بالای محيظ‌زيستي را به سمت نقش‌هاي حمايتی و کم‌اهمیت در سازمان‌هاي محيظ‌زيستي سوق خواهد داد.

يادداشت‌ها

1. masculine occupations
2. Quiet revolution
3. Self - disclosure
4. Post materialist values
5. Scarcity hypothesis
6. Socialization hypothesis
7. biographical availability

محيظ‌زيستي ارتباط برقرار کرده و موجبات تقويت همه انواع را فراهم می‌کند. اگرچه تقسيم کار جنسيتی در دو حوزه خانگی و اجتماعی پیامدهای روشنی برای کنشگری محيظ‌زيستي دارد، اما اين تقسيم کار در زمان و مکان‌هاي مختلف، متفاوت عمل می‌کند.

۵. پيشنهاده‌ها

در اين پژوهش پيشنهاده می‌شود که تحقيقات آینده باید بر روش‌هاي متغیری که محيظ‌زيست‌گرایی را به جنسيت پیوند می‌دهند، تمرکز کنند و اين‌که تغييرات در وظايف زنانه و مردانه در طول زمان، چه تأثیری بر انواع رفتارهاي محيظ‌زيستي آنان خواهد داشت یا اين‌که پژوهش‌هايی برای مطالعه مقایسه‌ای جوامع با درجات مختلف تقسيم کار جنسيتی انجام گیرد. پيشنهاده ديگر، مطالعاتی برای بررسی نقش متغیرهاي مداخله‌گر در رابطه بين انواع رفتارهاي محيظ‌زيستي و جنسيت است. در مطالعه حاضر، اين متغیرها سنجیده نشده‌اند.

به طور کلی، نتیجه‌گیری این پژوهش در راستای متون جامعه‌شناسی محيظ‌زيست است که در آن، زنان نگرانی بیشتری نسبت به مسائل محيظ‌زيستي دارند اما افزایش ميزان نگرانی، به علت کمبود منابع در دسترس آنان و مسؤليت‌هاي سنگین‌تر خانگی، به افزایش ميزان مشارکت آن‌ها در کنشگری محيظ‌زيستي منجر نمی‌شود.

منابع

- عباس‌زاده، م.، بنی‌فاطمه، ح.، علی‌زاده اقدم، م. و علوی، ل. ۱۳۹۴. ساخت و اعتباریابی مقیاس سنجش سازه دلبيستگی مکانی در میان شهروندان شهر تبریز (پژوهشی در حوزه جامعه‌شناسی شهری)، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۵(۱۶): ۳۱-۵۸.
- عباس‌زاده، م.، بنی‌فاطمه، ح.، علی‌زاده اقدم، م. و علوی، ل. ۱۳۹۵. تأثیر مداخله‌ای نگرش مسؤلانه زیست‌محیطی بر رابطه بين دلبيستگی مکانی و رفتار مسؤلانه زیست‌محیطی، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۷(۲): ۶۱-۸۰.
- عباس‌زاده، م. و علوی، ل. ۱۳۹۵. نقش پدیده سرریز در گذار رفتار مسؤلانه محيظ‌زيستي از حوزه خصوصی به حوزه عمومی، محيظ‌شناسی، ۴۲(۴): ۷۵۳-۷۶۹.
- ولی‌زاده، ن.، بیژنی، م. و عباسی، ع. ۱۳۹۶. تحليل روانشناسی محيظ‌زيستي رفتار مشارکت‌گرایانه کشاورزان در حفاظت از آب در حوزه آبریز دریاچه ارومیه، تحقيقات منابع آب ایران، ۱۳(۴): ۱۷-۲۷.

- Binder, M. and Blankenberg, A.K. 2016. Environmental concerns, volunteering and subjective well-being: Antecedents and outcomes of environmental activism in germany. *Ecological Economics*, 124, 1-16 .
- Blake, D.E. 2001. Contextual effects on environmental attitudes and behavior. *Environment Behavior*, 33(5):708-725 .
- Blake, D. E., Guppy, N. and Urmetzer, P. 1997. Canadian public opinion and environmental action: Evidence from british columbia. *Canadian Journal of Political Science*, 30(3): 451-472 .
- Boyd, M. 1998. Gender inequality: Economic and political aspects. *New Society: Sociology for the 21st Century*. Toronto: :Harcourt Brace&Company .
- Briscoe, M. D., Givens, J. E., Hazboun, S. O. and Krannich, R.S. 2019. At home, in public, and in between: Gender differences in public, private and transportation pro-environmental behaviors in the us intermountain west. *Environmental Sociology*, 5(4):374-392 .
- Brulle, R. J. 1996. Environmental discourse and social movement organizations: A historical and rhetorical perspective on the development of us environmental organizations. *Sociological Inquiry*, 66(1):58-83 .
- Crook, S. and Pakulski, J. 1995. Shades of green: Public opinion on environmental issues in australia. *Australian Journal of Political Science*, 30(1):39-55 .
- Dauphinais, P. D., Barkan, S. E. and Cohn, S. F. 1992. Predictors of rank-and-file feminist activism: Evidence from the 1983 general social survey. *Social Problems*, 39(4):332-344 .
- Davidson, D. J. and Freudenburg, W. R. 1996. Gender and environmental risk concerns: A review and analysis of available research. *Environment Behavior*, 28(3):302-339 .
- Dzialo, L. 2017. The feminization of environmental responsibility: A quantitative, cross-national analysis. *Environmental Sociology*, 3(4):427-437.
- Hsu, H.-P., Boarnet, M.G. and Houston, D. 2019. Gender and rail transit use: Influence of environmental beliefs and safety concerns. *Transportation research record*, 2673(4):327-338 .
- Kennedy, E.H. 2016. Environmental politics and women's activism. *The Wiley Blackwell Encyclopedia of Gender Sexuality Studies*, pp.1-4 .
- Kennedy, E. H. and Kmec, J. 2018. Reinterpreting the gender gap in household pro-environmental behaviour. *Environmental Sociology*, 4(3):299-310 .
- Kidd, Q. and Lee, A.-R. 1997. Postmaterialist values and the environment: A critique and reappraisal. *Social science quarterly*, pp.1-15 .
- McAdam, D. 1986. Recruitment to high-risk activism: The case of freedom summer. *American journal of sociology*, 92(1):64-90 .
- McFarlane, B. L. and Hunt, L. M. 2006. Environmental activism in the forest sector: Social psychological, social-cultural, and contextual effects. *Environment Behavior*, 38(2):266-285 .
- Mohai, P. 1992. Men, women, and the environment: An examination of the gender gap in environmental concern and activism. *Society & Natural Resources*, 5(1):1-19 .
- Momsen, J.H. 2000. Gender differences in environmental concern and perception. *Journal of geography*, 99(2):47-56 .
- Opp, K.D. 1990. Postmaterialism, collective action, and political protest. *American Journal of Political Science*, 34(1):212-235.
- Stren, P. 2000. Toward a coherent theory of environmentally significant behaviour. *Journal of Social Issues*, 56(3):407-424 .
- Tindall, D. 2002. Social networks, identification and participation in an environmental movement: Low-medium cost activism within the british columbia wilderness preservation movement. *Canadian Review of Sociology*, 39(4):413-452 .
- Tindall, D., Davies, S. and Mauboules, C. 2003. Activism and conservation behavior in an environmental movement: The contradictory effects of gender. *Society Natural Resources*, 16(10): 909-932.

Tindall, D. and Piggot, G. 2015. Influence of social ties to environmentalists on public climate change perceptions. *Nature Climate Change*, 5(6):546-549 .

Xiao, C. and Hong, D. 2010. Gender differences in environmental behaviors in china. *Population Environmental Sociology*, 32(1):88-104 .

Xiao, C. and Hong, D. 2018. Gender differences in environmental behaviors among the chinese public: Model of mediation and moderation. *Environment Behavior*, 50(9):975-996 .

Xiao, C. and McCright, A. M. 2012. Explaining gender differences in concern about environmental problems in the united states. *Society Natural Resources*, 25(11):1067-1084.